



این شماره تقدیم می‌شود به ساخت
شهید دکتر
فریدون عباسی

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۵۸
یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

جبهه
انرژی

کاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال



سرمقاله

تحریم انرژی؛ جایی که فشار آمریکا می‌تواند به فرصت ایران تبدیل شود

تحریم شبکه‌ای متنوع از محصولات، مشتریان و مسیرهای کوچک‌تر است. همچنین باید سازوکارهای مالی منطقه‌ای، تهاتر با کشورهای همسایه، استفاده از ارزهای ملی و قراردادهای پایدار با خریداران آسیایی را تقویت کند. هدف باید این باشد که نفت ایران نه فقط «قابل فروش»، بلکه «سخت‌قابل حذف» شود. از نظر رسانه‌ای نیز ایران باید روایت خود را تغییر دهد. گزارش‌هایی مانند داشبورد شورای آتلانتیک ایران را در کنار روسیه و ونزوئلا به‌عنوان «مسئله تحریمی» معرفی می‌کنند؛ اما ایران باید نشان دهد که تحریم انرژی، بازار را شفاف‌تر و امن‌تر نکرده، بلکه آن را به سمت ناوگان‌های ناشناس، تخفیف‌های غیررسمی، تجارت پریسک و وابستگی بیشتر به واسطه‌ها برده است. اگر غرب واقعاً نگران امنیت انرژی و شفافیت بازار است، راه‌حل پایدار نه تشدید تحریم، بلکه بازگشت ایران به تجارت رسمی انرژی است. جمع‌بندی این است که تحریم انرژی برای ایران یک فشار واقعی است، اما شکست قطعی نیست. گزارش شورای آتلانتیک نشان می‌دهد که آمریکا هنوز می‌تواند هزینه صادرات ایران را بالا ببرد، اما نمی‌تواند نیاز بازار به نفت ایران را حذف کند. راه درست برای تهران، ترکیب مقاومت اقتصادی با دیپلماسی فعال انرژی است: حفظ چین، گشودن مسیر هند، افزایش فراوری داخلی، کاهش خام‌فروشی، تقویت ناوگان و بیمه بومی، و ساختن شبکه‌های مالی غیرغربی. ایران نباید فقط تحریم را دور بزند؛ باید ساختاری بسازد که تحریم در برابر آن فرسوده شود. ♦

کشورهای تحریم‌شده متمایل شود. این برای ایران یک پیام راهبردی دارد: دیپلماسی انرژی ایران باید از وابستگی یک‌جانبه به چین فراتر برود و هند را به‌عنوان بازار آینده جدی بگیرد. بازگشت نفت ایران به بازار هند نباید فقط در قالب فروش خام دیده شود؛ بلکه باید با سرمایه‌گذاری مشترک در پالایش، پتروشیمی، حمل‌ونقل، بیمه و تسویه مالی همراه باشد. ایران اگر بتواند نفت خود را به زنجیره ارزش آسیایی وصل کند، تحریم‌پذیری آن کم‌تر می‌شود. فروش محموله‌ای و مقطعی همیشه آسیب‌پذیر است؛ اما قراردادهای بلندمدت، مشارکت پالایشی و تهاتر انرژی با کالا و فناوری، فشار تحریم را کاهش می‌دهد. واقع‌گرایی حکم می‌کند که ایران ضعف‌های خود را هم ببیند. ناوگان سایه و انتقال کشتی‌به‌کشتی، گرچه راه‌حل اضطراری‌اند، اما پرهزینه، پریسک و وابسته به واسطه‌ها هستند. شورای آتلانتیک دقیقاً همین نقاط را هدف گرفته و پیشنهاد می‌کند آمریکا با تحریم ثانویه، فشار بر مؤسسات مالی خارجی و همکاری اطلاعاتی با بخش خصوصی، مسیرهای دورزدن تحریم را ببندد. این یعنی واشنگتن از مرحله تحریم دولت‌ها عبور کرده و به سراغ شبکه‌های حمل‌ونقل، بیمه، بانک و واسطه‌ها رفته است. پاسخ ایران نباید فقط پنهان‌کاری بیشتر باشد؛ باید هوشمندسازی ساختار تجارت انرژی باشد. ایران باید بخش بیشتری از نفت خام را در داخل به فراورده، پتروشیمی و محصولات با ارزش افزوده تبدیل کند. تحریم نفت خام ساده‌تر از

سیاست حذف ایران از بازار انرژی شکست کامل نخورده، بلکه به تغییر شکل تجارت نفت انجامیده است. وقتی نفت ایران همچنان خریدار دارد، یعنی مسئله فقط «فشار آمریکا» نیست؛ مسئله نیاز ساختاری اقتصاد جهانی به انرژی ارزان و قابل دسترس است. در این میان، چین جایگاه دوگانه‌ای برای ایران دارد. از یک طرف، خریدار اصلی نفت ایران است و طبق گزارش‌های رویترز، بیش از ۸۰ درصد نفت حمل‌شده ایران را می‌خرد؛ حتی در سال ۲۰۲۵ میانگین خرید روزانه چین از ایران حدود ۱.۳۸ میلیون بشکه برآورد شده بود. از طرف دیگر، همین تمرکز، ایران را آسیب‌پذیر می‌کند. شورای آتلانتیک نیز هشدار می‌دهد که اتکای بیش از حد کشورهای تحریم‌شده به بازار چین، باکند شدن رشد تقاضای نفت چین، می‌تواند به نقطه ضعف تبدیل شود. پس راهبرد ایران نباید صرفاً ادامه فروش پنهانی نفت باشد. این روش در کوتاه‌مدت ضروری است، اما در بلندمدت کافی نیست. ایران باید سه هدف را هم‌زمان دنبال کند: حفظ جریان صادرات فعلی، کاهش تخفیف‌های تحمیلی، و تنوع‌بخشی به مشتریان. اینجاست که هند اهمیت پیدا می‌کند. آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید هند در دوره ۲۰۲۳ تا ۲۰۳۰ بیش از یک‌سوم رشد تقاضای جهانی نفت را به خود اختصاص خواهد داد. شورای آتلانتیک نیز اذعان می‌کند که هند در سال‌های آینده محرک اصلی رشد تقاضای نفت خواهد بود و اگر صادرکنندگان غیرتحریمی نتوانند نیاز هند را تأمین کنند، دهلی‌نوممکن است دوباره به نفت

♦ | این تحلیل با بررسی داشبورد تحریم‌های انرژی شورای آتلانتیک و در کنار آن، مرور روندهای تازه بازار نفت، مسیرهای صادراتی ایران و نقش خریداران آسیایی، به‌ویژه چین و هند، نوشته شده است. این گزارش در ظاهر تلاش می‌کند کارآمدی تحریم‌های انرژی علیه ایران، روسیه و ونزوئلا را توضیح دهد؛ اما در عمل نشان می‌دهد که سیاست حذف ایران از بازار جهانی انرژی، نه تنها کامل موفق نبوده، بلکه شکل تازه‌ای از تجارت، چانه‌زنی و مقاومت اقتصادی را پدید آورده است. داشبورد تحریم‌های انرژی شورای آتلانتیک، در ظاهر گزارشی درباره مسیرهای فروش نفت تحریم‌شده ایران، روسیه و ونزوئلاست؛ اما در لایه عمیق‌تر، سندی است درباره محدودیت‌های قدرت آمریکا. این گزارش می‌گوید تحریم‌های نفتی میان سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۵ میلیون‌ها بشکه نفت ایران، روسیه و ونزوئلا را از بازار رسمی خارج کرده، اما هم‌زمان چین به مقصد اصلی نفت تحریم‌شده تبدیل شده و شبکه‌هایی مانند ناوگان سایه، انتقال کشتی‌به‌کشتی و صادرات مجدد از کشورهای ثالث گسترش یافته‌اند. معنای سیاسی این یافته روشن است: تحریم انرژی ضربه می‌زند، اما الزاماً رفتار کشور هدف را آن‌گونه که واشنگتن می‌خواهد تغییر نمی‌دهد. از زاویه منافع ایران، مهم‌ترین نکته همین است: تحریم نفتی بدون تردید هزینه‌ساز بوده است؛ درآمد ارزی را محدود کرده، تخفیف‌های اجباری ایجاد کرده و ایران را بیش از حد به چند مسیر و چند خریدار وابسته ساخته است. اما گزارش شورای آتلانتیک ناخواسته نشان می‌دهد که

اقتصاد انرژی

بر اساس این محاسبات، تحقق درآمد ۳۵ میلیارد دلاری پیش‌بینی شده در بودجه نفتی کشور حتی با صادراتی در حدود نیمی از سطح تعیین‌شده در قانون بودجه نیز ممکن است. به بیان دیگر، اگر صادرات نفت ایران به حدود ۸۵۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد، با فرض تداوم قیمت‌های فعلی، همچنان امکان دستیابی به سطح درآمدی هدف‌گذاری‌شده وجود خواهد داشت.

حتی در سناریویی که محاصره دریایی مانع از صادرات گسترده نفت شود، رساندن محموله‌های نفتی به بازارهای مقصد در فواصل زمانی محدود نیز می‌تواند درآمد پیش‌بینی‌شده را تأمین کند. در چنین شرایطی عبور یک نفتکش از مسیرهای صادراتی در هر دو روز نیز می‌تواند برای تحقق درآمد نفتی تعیین‌شده در بودجه کافی باشد. با این حال، اتکاب به چنین سطح حداقلی از صادرات نمی‌تواند راهبرد بلندمدت اقتصاد کشور باشد و تداوم یا تشبیت شرایطی شبیه به محاصره دریایی، حتی در صورت جبران مالی از طریق قیمت‌های بالا، نمی‌تواند گزینه مطلوب برای اقتصاد ایران تلقی شود. / خط انرژی

در شرایطی که احتمال تشدید محاصره دریایی علیه صادرات نفت ایران مطرح است، افزایش قابل‌توجه قیمت جهانی نفت می‌تواند بخش مهمی از آثار کاهش احتمالی حجم صادرات را جبران کند. رشد قیمت‌ها در بازار جهانی باعث شده حتی با افت محسوس در میزان صادرات نیز امکان تحقق درآمدهای پیش‌بینی‌شده در بودجه کشور وجود داشته باشد. بر اساس قانون بودجه سال ۱۴۰۵، پیش‌بینی شده است که ایران روزانه حدود ۱.۷ میلیون بشکه نفت با قیمت متوسط ۵۴ دلار به فروش برساند؛ سطحی از صادرات که در مجموع باید درآمدی در حدود ۳۵ میلیارد دلار برای دولت ایجاد کند. این در حالی است که تحولات اخیر در بازار جهانی انرژی موجب افزایش چشمگیر قیمت نفت شده است. در حال حاضر نفت برنت در بازارهای جهانی با قیمتی بیش از ۱۱۰ دلار معامله می‌شود و گزارش‌ها نشان می‌دهد محموله‌های نفتی ایران نیز در برخی معاملات با قیمتی حدود سه دلار بالاتر از برنت، یعنی نزدیک به ۱۱۳ دلار در هر بشکه، به فروش رسیده‌اند. در چنین شرایطی، افزایش قیمت نفت عملاً بخشی از کاهش احتمالی در حجم صادرات را جبران می‌کند.

قیمت‌های بالای نفت و تاب‌آوری بودجه ایران در برابر محدودیت صادرات

خبرخوان

● **ژاپن پس از ۴ سال از روسیه نفت خریداری کرد**
ژاپن برای اولین بار از زمان حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، از روسیه نفت خریداری کرده است. ژاپن این تصمیم را به دلیل وضعیت تنگه هرمز و دشواری حمل نفت از خاورمیانه گرفته است.

● **ادامه جنگ تا خرداد ماه مساوی است با نفت ۲۰۰ دلاری!**
فایننشال تایمز: بازار نفت یک ماه تا نقطه بحرانی فاصله دارد، زیرا ذخایر جهانی در حال کاهش است. بلوکه شدن تنگه هرمز باعث کاهش شدید ذخایر جهانی نفت، بنزین، دیزل و سوخت جت شده و قیمت‌ها را به شدت بالا خواهد برد. اگر جنگ تا پایان خرداد ادامه یابد، همه ذخایر تمام می‌شود. قیمت برنت ممکن است به ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار در پیشه برسد.

● **۳ کشتی مرتبط با ایران از تنگه هرمز عبور کردند**
طبق گزارش کیپلر: در روز گذشته ۷ کشتی از تنگه هرمز عبور کردند. ۴ کشتی از تنگه هرمز خارج و ۳ کشتی وارد این آبراه شدند. همچنین دیروز ۳ کشتی مرتبط به ایران، علی‌رغم ادعای محاصره دریایی آمریکا از تنگه هرمز عبور کردند.

● **سقوط آزاد آمریکا با نفت ۱۵۰ دلاری**
رویترز: با نفت ۱۱۰-۱۲۵ دلاری رشد اقتصاد دنیابه جای ۳.۱٪ به زیر ۲٪ سقوط می‌کند. در داخل آمریکا، افزایش قیمت انرژی در حال فشار آوردن به مصرف‌کننده است. اگر قیمت نفت به ۱۵۰ دلار برسد، رشد اقتصادی آمریکا سقوط سنگینی خواهد داشت.